

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۹ - ۱۴۳

پاسداشت اجتماعی و اجرای سنن الهی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محمد جانقربان^۱

خلیل بهرامی قصرچی^۲

جواد استاد محمدی^۳

چکیده

در طول تاریخ بشری، همواره سنت‌های ثابت و همیشگی یا قوانین دائمی و بدون تغییری وجود داشته و دارند که هر یک به گونه‌ای همسو با حکمت خداوندی تحقق می‌یابند. در قرآن کریم به شماری چند از این سنت‌ها اشاره شده که از آن جمله می‌توان به: یاری مومنان از سوی حق تعالی، پاداش به نیکوکاران، آزمایش انسان‌ها و عذاب تبهکاران اشاره کرد. بدیهی است، شناخت و توجه به این سنت‌ها، نقش به‌سزایی در رشد و شکوفایی فرد و جامعه ایفا کرده، زمینه دستیابی به کمالات انسانی را فراهم می‌سازند. لذا مهمترین پرسش عبارت است از اینکه: اجرائی کردن سنت‌های الهی در نهادهای اجرائی نظام چگونه زمینه‌های لازم را برای گام دوم انقلاب اسلامی را فراهم می‌سازد؟ فرضیه اصلی نشان می‌دهد: تحقق سنت‌های الهی در نهاد های اجرائی نظام جمهوری اسلامی ایران موجب استحکام پایه‌های حاکمیت، رضایتمندی عمومی و افزایش اعتماد و مشارکت گردیده و به تحقق گام دوم انقلاب اسلامی کمک می‌کند. از روش توصیفی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مطالب در نگارش مقاله استفاده شده است.

واژگان کلیدی

سنت های الهی، تمدن نوین اسلامی ایرانی، گام دوم انقلاب اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: zeinabjanghorban1382@gmail.com

۲. استادیار گروه تصوف و عرفان اسلامی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dr.bahrami36@gmail.com

۳. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Email: Ostadmohamadi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳

طرح مسأله

سنت در علم حدیث به معنای فعل، قول و تقریر یکی از معصومین^(ع)، و در فقه و برخی احادیث فقهی، سنت، یکی از احکام خمس و مرادف استحباب به کار می‌رود (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۸: ۲۳). سنت در علوم اجتماعی به معنای رفتاری است که همواره وجود داشته است و بر اثر ممارست‌های طولانی، در افراد ریشه دوانیده باشد (ماکس وبر، ۱۳۶۷: ۵۰).

مصباح یزدی در باب معنی سنت معتقد است: «یکی از معانی کلمه «سنت»، راه‌ورسم، روش و رفتار، و شیوه‌ای است که استمرار داشته باشد. این واژه به همین معنا در زبان عربی و در قرآن کریم، هم در مورد انسان به کار رفته است و هم در مورد خدای متعالی، به همین معناست که در علم «اصول فقه» قول و فعل و تقریر معصومین (علیه السلام) را، که احادیث و روایات حاکی از آن است، «سنت» می‌نامند. و اما قوانین جامعه‌شناختی مکتب اسلام را به نام «سنت‌های الهی» در تدبیر جوامع «نامیدن، اقتباسی است از قرآن کریم، اگرچه قرآن کریم لفظ «سنت» را در مورد نزول عذاب بر اقوام و جوامع باطل‌گرا و کافر و مشرک و ظالم و فاسق و فاجر به کار می‌گیرد، ولی از آنجاکه هیچ‌یک از افعال الهی را عبث و گزاف و بی‌حساب و کتاب نمی‌دانیم، بلکه همه آنها را بر اساس ضوابطی که از صفت «حکمت» او سرچشمه می‌گیرد می‌دانیم، می‌توانیم اصطلاح «سنت الهی» را به معنایی عام‌تر بگیریم و آن را به «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» یا «روش‌هایی که خدای متعالی امور عالم و آدم را برپایه آنها تدبیر و اداره می‌کند» اطلاق کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۷۰).

اما هدف و ضرورت تحقیق ما بدنبال این است که سنت‌های الهی مشتمل بر چه مولفه‌هایی می‌باشد؟ ویژگی آن کدام است؟ خط قرمزهای این سنت در دستورات خداوندی که رابطه مستقیم با امور بشری و حقوقی امر سیاست و حکومت و نقش آن در ثبات سیاسی نظام‌ها چگونه است چه ادواری را طی نموده و با چه ابزاری تشویق و تهدید و خوف و رجایی است که مارا به رعایت آن تشویق و تهدید کرده است. نمونه‌های تاریخی آن سنت‌ها در صعود و سقوط اقوام پیشین چگونه آشکار و مدون و تکوین یافته و این سنت‌ها چگونه می‌تواند در ادامه مسیر انقلاب ۱۳۵۷ و نظام جمهوری اسلامی نقش آفرین باشد. ایات و روایات - بشیر و نذیر چگونه می‌تواند شاخص وصل و یا شاخه شکننده فعل این انقلاب باشد.

ایا بی‌اعتنایی به این سنت‌ها همراهی حاکمیت و امت در بی‌اعتباری. سنت‌های الهی همچون حرمت ربا در اقتصاد - امر به معروف و نهی از منکر - ظلم فراگیر - نفاق و تحلیل‌گرایی - می‌تواند به صعود و یا سقوط و تزلزل و بی‌ثباتی سیاسی در نظام جمهوری اسلامی باشد یا خیر؟ نهادها و دستگاه‌های اداری، سازمانها، نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی تا چه حد در

ترویج و نشر و تبیین این سنت‌ها در حاکمیت و امت موفق بوده و در صورت عدم آن موانع و راهکارها پیش رو چه بوده است. نقش آفرینی دستگاه‌های مسئول در این امر چگونه فرضیه اجرایی به خود خواهد گرفت؟

در بیان پیشینه تحقیق نیز با توجه به بررسی‌های انجام شده تا کنون پژوهشی با موضوع مقاله پیش رو به رشته تحریر در نیامده است اما برخی از مهمترین کتب و مقالاتی که می‌توانند در ارتباط با بخش از این مقاله باشند، عبارتند از؛

فیضی حسن (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان دو سنت‌های الهی و سقوط و صعود تمدن‌های می‌نویسد: عوامل ازهم‌پاشیدگی و سربلندی اجتماع یا نقش سنت‌های الهی در سقوط و صعود تمدن و اجتماعات محوره‌های اساسی پژوهشی حاضراست که برای پرداخته می‌شود. بررسی سنت‌های الهی و ... و پدیده‌های گوناگونی به عنوان ابزار امتحان انسان معرفی شده تا مسلمین در ارتباط با حوادث مشکلات مورد آزمایش قرار گیرند و مومنین واقعی از منافقان متمایز گردند... آقاجانی نصر ا... (۱۳۹۳) در نوشتاری با عنوان - دو ویژگی یا انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع می‌نویسد سنت‌های اجتماعی - عبارت‌اند از قوانینی تکوینی یا حقیقی که ارتباط نقش الامر حقایق را در جمال عینی نشان می‌دهد - سنت‌های الهی در جامعه رفتاری است که خداوند یا اجتماعات بشری خلقت خود بصورت ابتدایی یا مقابله‌ای انجام می‌دهد.

ماهیت و اهداف بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه «گام دوم انقلاب» که متن نسبتاً مفصلی نیز دارد، در ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۷ و در چهل سالگی انقلاب انتشار یافت. در واقع این بیانیه «از یک سو یک بیانیه و مانیفست تمام و کمال برای ۴۰ سالگی انقلاب است؛ از این جنبه، «افتخار به گذشته» و «امید به آینده» دو رکن اصلی بیانیه هستند. رهبر انقلاب «توصیف» مشروح و واقع‌بینانه‌ای از آنچه در این ۴۰ سال پس از انقلاب گذشته ارائه می‌کند، «تحلیل» دقیق و منصفانه‌ای از دستاوردها و حتی خون‌آوردتها و در کنار آن‌ها از ضعف‌ها و کاستی‌ها پیش می‌کشند و در ادامه با اشاره به دلالت‌ها و نشانه‌های روشن، چرایی یک آینده پرامید و درخشان را پیش روی ایران اسلامی برای مخاطبان تصویر می‌کنند». (عبداللهی، ۱۳۹۷)

برای شناخت ماهیت و چیستی گام دوم انقلاب، می‌بایست به این نکته توجه داشت که گام دوم در واقع ادامه گام نخست انقلاب اسلامی بوده و به لحاظ ماهوی نمی‌تواند جدای از گام نخست باشد. لذا در بردارنده بسیاری از همان ارزش‌های ابتدایی انقلاب اسلامی می‌باشد. به عبارتی دیگر؛ گام دوم مرحله نوینی از تحقق بخشیدن و عملیاتی ساختن گفتمان انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن است که نظام جمهوری اسلامی بر اساس آن پایه گذاری شده است. در بیان

مهمترین وجه تفاوت گام دوم با گام نخست می‌بایست به مسئله ایجاد و تثبیت تمدن نوین اسلامی در گام دوم اشاره کرد. زیرا گام دوم مهمترین هدف خود را ایجاد و تثبیت تمدن نوین اسلامی قرار داده است، اما در گام نخست، ایجاد و تثبیت حکومت اسلامی مهمترین هدف به شمار می‌رفت.

از آنجایی که تمدن ترکیبی از فرهنگ، ایدئولوژی، صنعت، اقتصاد، علم، فناوری، شهرسازی، سبک زندگی و روایت‌های گوناگونی است که با یکدیگر در تعامل هستند، پایه‌گذاری و ایجاد آن «بسیار مهم‌تر، دشوارتر و پیچیده‌تر از تأسیس یک حکومت و نظام سیاسی است» (اسماعیلی، ۱۳۹۸: پژوهشکده مطالعات راهبردی). بر همین اساس می‌توان گفت تمام توان و نیروهای انقلاب اسلامی در گام دوم با رجوع به منابع و متون اصیل اسلامی، همراه با مدیریت جهادی به انجام این مهم همت گمارند. با توجه به زمان بر بودن تأسیس تمدن که بر اساس تجارب تاریخی در دوران حیات یک یا دو نسل شکل می‌گیرد، رهبر معظم در بیانیه گام دوم جوانان را مخاطب قرار داده است. «اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند». (بیانیه گام دوم)

ویژگی و مؤلفه‌های گام دوم را در مقایسه با گام اول چنین می‌توان برشمرد و توضیح داد:

- تأکید بر هویت دینی همچون دوره نخست؛
- تأکید بر جمع دین و دنیا همچون دوره نخست؛
- همچون دوره نخست، انقلاب اسلامی باید قدرتمند اما محتاط و عقل‌مدار پیش رود و مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌ها نشود؛
- بر عنصر دفاع از نهضت‌های رهایی‌بخش که در قانون اساسی آمده است، همچون دور اول تأکید ورزد؛
- بر مردم‌سالاری و جنبه مردمی بودن حکومت همچون دور نخست تأکید ورزد؛
- گام اول انقلاب در جهان دو قطبی روی داد؛ اما گام دوم در جهان تک‌قطبی حاضر باید محقق شود؛
- «نظریه نظام انقلابی» نمی‌تواند با مقوله «عدالت اجتماعی» بیگانه باشد و از این جهت

یکی از ضرورت‌های آن را عدالت تشکیل می‌دهد. در طول چند دهه گذشته در کنار دستاوردهایی که به دست آمده است، نابرابری‌های اجتماعی نیز خود را نشان داده است. لذا از ویژگی‌های گام دوم در اولویت قراردادن مبارزه با فساد و نابرابری است؛

- در گام دوم نیز، نگاه راهبردی به جهان اسلام و منطقه غرب آسیا نه تنها به عنوان اصول سیاست خارجی انقلاب وجود دارد، بلکه باید تقویت شود. به عبارت دیگر الگوی مقاومت در برابر صهیونیسم باید بیش از گذشته تقویت شود؛

- گرچه سیاست تقویت اقتصادی و جلوگیری از نفوذ اقتصادی در طول دهه‌های گذشته نیز وجود داشته است، اما در گام دوم باید به صورت عملی به عینیت برسد تا زمینه‌های استقلال سیاسی را تسهیل نماید؛ در واقع در این مرحله و در شرایطی که نقاط ضعف شناسایی شده‌اند که مهمترین آن‌ها اقتصاد متکی به بودجه نفت است، باید برنامه‌های معینی به اجرا درآیند. سیاستی که رهبر معظم انقلاب طی سال‌های گذشته، از آن به عنوان «اقتصاد مقاومتی» یاد کرده‌اند؛

- تأکید بر معنویت و اخلاق در گام دوم توصیه‌ای اخلاقی نیست. در سندی که خاصیت راهبردی دارد و مانیفست سیاست‌های جمهوری اسلامی را در سال‌های آینده تعیین می‌سازد، اخلاق و معنویت بخش مهمی از روح سبک زندگی معطوف به تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهد. درباره این موضوع، آنچه اهمیت دارد، نحوه عملیاتی‌سازی آن‌هاست که باید متناسب با شرایط جدید اجتماعی باشد، اگر نه در ارزش بودن اخلاق و معنویت سخنی وجود ندارد. مهم این است که سیاست‌های کلان کشور و ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی چگونه می‌توانند به رشد آن‌ها بینجامند. (اسماعیلی، ۱۳۹۸: همان)

امیدبخشی و توجه به عنایت الهی در بیانیه گام دوم انقلاب

در تبیین این مؤلفه امید بخش در بیانیه گام دوم باید گفت اصولاً «یادآوری» عنایات و گشایش‌های غیبی خداوند در شرایط سخت، به خودی خود، «امیدآفرین» است. و این روشی است که خداوند نیز در قرآن کریم از آن بهره برده است. توضیح آنکه، یکی از روش‌های تربیتی قرآن کریم برای امید آفرینی میان مسلمانان و حفظ وحدت و انسجام آنان، «یادآوری» بحران‌های جسمی و روحی مسلمانان در ابتدای شکل‌گیری انقلاب پیامبر(ص) و مقاطع مختلف پس از آن است که مسلمانان توانستند با نصرت الهی از همه آنان با موفقیت عبور نمایند.

این روش، دقیقاً نقطه مقابل روش شیطان و جریان‌های شیطانی، همچون جریان نفاق است که یکی از پروژه‌های عملیات روانی شان را «انساء» (فراموشاندن مردم) تعریف کرده‌اند: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ شیطان بر آنها چیره شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است، آنها (منافقین) حزب

شیطانند بدانید حزب شیطان زیانکارانند.» (مجادله: ۱۹)

یکی از اقدامات منافقین که به تعبیر این آیه شریفه «حزب شیطان» هستند، ایجاد غفلت در جامعه نسبت به هر آن چیزی است که به نوعی یاد خداوند و قدرت و رحمت و غضب و سنت های او را در ذهن انسان ها متبادر می سازد.

در این میان، یکی از اموری که یاد خدا را در ذهن ها متبادر می کند، برخی حوادث عبرت آموزی است که در برخی ایام خاص در حیات یک جامعه به وقوع پیوسته است و مردم جامعه در آن ایام خاص، جلوه های رحمت یا غضب الهی را «بطور ملموس» درک نمودند. از آنجا که انسانها موجوداتی فراموشکار هستند، باید برخی وقایع خاص پیش آمده در جامعه که یاد خدا و سنت های الهی را به همراه دارد، همواره برای آنان یادآوری شود؛ چراکه این کار «روحیه ای جدید» در آنان برای ادامه مسیر ایجاد می نماید.

خداوند متعال در قرآن کریم مکرراً از این روش استفاده نموده است. در یک آیه شریفه خطاب به جناب موسی (ع) می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ ما موسی(ع) را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یادآور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!» (ابراهیم/۵)

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه در تبیین «ایام الله» می فرماید: «شکی نیست که مراد از «ایام»، ایام مخصوصی است؛ و نسبت دادن ایام مخصوص به «خدا»، با اینکه همه ایام و همه موجودات از خداست، حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است، که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نداده است، پس به طور مسلم مقصود از «ایام الله»، آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده، و یا ظاهر می‌شود.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۲، ص ۱۸).

بنابراین منظور از «ایام الله» روزهای خاصی است که در آن روزها دست قدرت و عزت الهی در جامعه ظهور و بروز بیشتری داشته و همگان به عینه دیدند و لمس کردند که اتفاقی (چه نزول نعمت و نزول عذاب) خارج از اسباب و علل مادی افتاده است.

قرآن کریم در آیات متعددی به یادآوری ایام الله در دوران هر پیامبری می پردازد. و این یادآوری ها آنقدر زیاد است که گویی تعمّدی برای بازگویی آن وجود دارد.

در بسیاری از آیات، برای بیان واقعه ای که در گذشته اتفاق افتاده است از تعبیری همچون «اذکروا» یا «إذ» استفاده شده است.

بخش قابل توجهی از اینگونه آیات، مربوط به قوم بنی اسرائیل و یادآوری نعمت ها و نعمت‌های الهی برای آنان است (بقره: ۴۰، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴).

آیات دیگر، مربوط به داستان جنگ بدر در سوره مبارکه انفال است. این سوره پس از جنگ بدر و در زمانی که برخی صحابه رسول خدا (ص) بر سر تقسیم غنائم با یکدیگر اختلاف کردند و دچار تفرقه شدند، نازل شد.

خداوند متعال در آیات ابتدایی این سوره، برای تربیت سیاسی خواص و عامه مردم و دست کشیدن آنان از اختلافات بیهوده، عنایات خاص خود در جنگ بدر را یادآوری می کند که در نتیجه آن، سپاه ۳۱۳ نفره اسلام در برابر سپاه هزار نفره دشمن با قاطعیت پیروز شد (انفال: ۷، ۹، ۱۱، ۱۲)؛ و سپس مسلمانان را از فتنه ای که به واسطه اینگونه اختلافات در جامعه ایجاد خواهد شد و عواقب آن همه مردم جامعه را متأثر خواهد کرد، برحذر می دارد (انفال: ۲۵)؛ و پس از آن، با یادآوری دوران سخت مکه و نجات آنان از شر کفار قریش، تلویحاً به آنان هشدار می دهد که این عزت و حکومت را به راحتی به دست نیاورده اند تا آن را به راحتی از دست دهند (انفال: ۲۶). همچنین یوم الله دیگر در قرآن کریم، ماجرای جنگ احزاب است که آیاتی از سوره مبارکه احزاب آن را به مسلمانان یادآوری می کند (احزاب: ۲۷-۹). از سوی دیگر، یکی از مواردی که خداوند قرآن کریم «اصرار به یادآوری» آنها دارد، سخنان و اقدامات منافقین برای سست کردن و مایوس کردن مسلمانان و فتنه ها و کارشکنی های آنان در مسیر پیشرفت نظام اسلامی است. در یک آیه سخن منافقین و بیمار دلان در جنگ بدر یادآوری می شود (انفال / ۴۶) و در آیات دیگری، سخن آنان در جنگ احزاب همچنین در آیات دیگری از قرآن کریم کارشکنی های منافقین در جنگ احد و عدم شرکت آنان در جنگ و همچنین فرار مسلمانان بیمار دل و ضعیف الایمان برای مسلمانان یادآوری شده است (آل عمران: ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۶۸).

خداوند متعال در آیه دیگری، پس از توبیخ مسلمانان بیمار دل به دلیل کندی و سنگینی در حرکت به سوی جهاد و یاری رساندن پیامبر خدا (ص)، واقعه لیلۃ المبیت و خروج پیامبر (ص) از مکه و مخفی شدن در غار ثور را به مسلمانان یادآور می شود که خداوند پیامبرش را در اوج تنهایی یاری نمود و او را از شر دشمنان محفوظ نگاه داشت (توبه: ۴۰).

در پایان این بخش باید گفت یادآوری ایام الله برای مردم، غیر از «امیدآفرینی» فواید روانی دیگری نیز دارد. فوایدی همچون «افزایش اعتماد مردم به وعده های الهی»، «شکرگزاری نعمت انقلاب و نظام اسلامی»، «افزایش روحیه اعتماد به نفس»، «افزایش روحیه مقاومت و صبر در مردم»، هم در برابر سختی ها و هم در برابر دشمنان داخلی و خارجی. و این دقیقاً نقطه مقابل اهداف جریانات غیرانقلابی برای تأثیرگذاری در انگیزه و اندیشه مردم است.

بنابراین با الهام از بیانیه «گام دوم» باید گفت یکی از وظائف مهم اندیشمندان و رسانه های انقلابی در «جهاد امیدآفرینی» برای مردم و جوانان، «بازخوانی بدون تحریف تاریخ انقلاب اسلامی» و «بیان موانع متعدد بر سر راه پیشرفت انقلاب» در طول این ۴۰ سال است؛ موانع،

بحران‌ها و سختی‌هایی که انقلاب اسلامی علی‌رغم همه آنها توانست با «امدادهای غیبی الهی» و «رهبری آسمانی و حکیمانه امام(ره)» و «صبر و تلاش مردم»، به موفقیت‌های شگفت‌آوری دست یابد.

گام دوم انقلاب و سنن الهی

در این مبحث تلاش می‌شود به بررسی و اجرای سنن الهی در جریان انقلاب اسلامی با تاکید بر گام دوم انقلاب بپردازیم.

۱) سنت هدایت توسط انبیا

انقلاب اسلامی با هدایت و رهبری فقیهی عالم و دانا به پیروزی دست یافت و از بدو انقلاب تا کنون نظام تحت زعامت ولایت مطلقه فقیه قرار دارد که بعد در دوران غیبت به مثابه بهترین و عالم‌ترین افراد هدایت جامعه را برعهده دارد. جمهوری اسلامی سنت هدایت، معنایی بسیار عام‌تر و کلی‌تر دارد که البته جنبه اجتماعی ندارد، بلکه مربوط به تدبیر سرتاسر جهان هستی است. موضوع بحث هدایت و عدالت در نوبت و نقش انبیا و پیامبران است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بعث شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب»؛ بنابراین در قرآن کریم سنت هدایت در کل هستی در نظام تکوین و تشریح بیان شده است، هدایت تکوینی درباره انسان توسط غرایز و تشریحی به واسطه سلسله انبیا اعمال شده است و از مبانی مهدویت این است که ما تحت نظام شیعه بحث امامت است که ما به عنوان شیعه ایرانی زیر پرچم امامت زندگی می‌کنیم.

از اهداف و آثار انقلاب ملت مسلمان ایران از منظر امام خمینی را می‌توان در مقوله تجدید حیات قرآن و نیز ممانعت از ایجاد انحراف و اعوجاج در این کتاب مقدس جستجو نمود. امام بر این باور بود که دشمنان اسلام و قرآن با تمام اعوان و اذنان خویش کمر همت بسته بودند تا از یکسو، قوانین قطعی اسلام را به نوعی بی‌خاصیت و بی‌اثر جلوه داده و باعث فراموشی و خاموشی نور آن گردند و از سوی دیگر با ایجاد تحریف و انحراف در احکام و آیات قرآن، دستورات آن را به نفع خود مصادره و مآلاً تفسیر به رأی کنند. لذا این انقلاب قرآنی از یکسو مانع تحقق اهداف شوم و تولید منافقین و بدخواهان در ایجاد و انحراف در قرآن و اسلام گردید و از سوی دیگر باعث تجدید حیات قرآن و هر چه زنده‌تر و بالنده‌تر شدن احکام نورانی قرآن در فرهنگ دینی ملت ایران گردید. در همین راستا، ایشان می‌فرماید: «شما اسلام بزرگ را که می‌رفت دستخوش انحراف منحرفین و منافقین شود و احکام مترقی آن به احکام دلخواه نادانان مبدل گردد و با اسم اسلام راستین، قوانین مسلم منصوص در قرآن کریم به نسیان کشیده شود، زنده و تجدید کردید» (صحیف نور، ج ۱۵: ص ۲۴۹).

مقام معظم رهبری خطاب به روحانیت و نقش آفرینی آنها در انقلاب اسلامی می فرمایند: «شما دنباله‌روی کار انبیا هستید. خب، کار انبیا در سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف [چنین آمده]: وَ اِلَىٰ عَادٍ اٰخٰهُمْ هُوْدًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهِ غَيْرِهٖ؛ (الأعراف آیه ۶۵) مسئله، مسئله، مسئله توحید است. حرکت انبیا، حرکت برای توحید است؛ اصلاً اساس کار دعوت انبیا، دعوت به توحید است. دعوت به توحید فقط به معنای این نیست که عقیده پیدا کنید که خدا یک است و دو نیست و این بتها یا این خدایان -موجودی که هستند- ارزش الوهیت ندارند؛ فقط این نیست، عقیده‌ی به توحید، یک پایه و استوانه یا زمینه‌ی اساسی یک جهان‌بینی است که زندگی را میسازد. عقیده‌ی به توحید یعنی جامعه‌ی توحیدی به وجود آوردن؛ جامعه‌ای که بر مبنای توحید شکل بگیرد و اداره بشود؛ عقیده به توحید این است؛ اگر این نبود، دشمنی‌های با انبیا هم به وجود نمی‌آمد. وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شٰطِطِيْنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوْحٰى بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوْرًا؛ (انعام: ۱۱۲) این دشمنی‌ها به خاطر این است که انبیا آمدند، شکل جامعه را مورد اعتراض و تعرّض خودشان قرار دادند؛ یک شکل جدید را، یک هندسه‌ی جدید را برای شیوه‌ی زندگی بشر ارائه کردند. آن شیوه‌ی زندگی، همان حیات طیبه است که یکی از برادرها این آیه‌ی شریفه را تلاوت کردند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ (انفال ۲۴) حیات، حیات طیبه است. مَنْ عَمِلَ صٰلِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً؛ (نحل ۹۷) یعنی فراتر از این حیات ظاهری یک چیزی وجود دارد که به آن گفته میشود حیات طیبه، آن چیست؟ آن همین زندگی است درحالی که با ایمان باشد. زندگی احتیاج دارد به آب و به هوا و به خوراک و به علم و به فناوری و به همه‌چیز؛ زندگی به همه‌ی اینها احتیاج دارد، منتها اگر چنانچه بدون ایمان شد، این حیات نیست؛ مرده است. این را قرآن حیات نمیداند. حیات آن‌وقتی است که این مجموعه‌ی تحرّکات زندگی و عوامل زندگی همراه بشود با ایمان؛ نور پیدا کند؛ مثل محیط ظلمانی است که در آن نوری تابانده میشود. این شأن روحانیت است. شما میخواهید حیات ببخشید به جامعه‌ی بشری. این طبعاً همان مشکلات انبیا را دارد، همان اجر نبوتها را هم دارد، همان توفیقات انبیا را هم دارد؛ چون انبیا موفق شدند، انبیا توفیق پیدا کردند. همه‌ی انبیا حتی آنها‌یی که به شهادت رسیدند، حتی آنها‌یی که قومشان آنها را انکار کردند، بالاخره حرفشان سبز شد. شما نگاه کنید ببینید حرف حضرت نوح و حضرت هود و پیغمبرهای گوناگون که آن‌روز این همه دشمن داشت، امروز در دنیا خواستگاران و طلبکاران و علاقه‌مندان و مریدان بی‌شمار دارد. خب، پس این حرف زنده ماند، پیروز شد. آن‌روز با انکار مواجه شد اما بعد بتدریج همین‌طور سلسله‌ی انبیا آمدند، حرف پیروز شد. پس کار شما کار پیغمبران است؛ هم حرفتان سبز خواهد شد و بلاشک پیش خواهد رفت، هم توفیقات الهی شامل حالتان خواهد بود یعنی خدای متعال کمکتان میکند: اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا فِى الْحَيٰوةِ

الدُّنیا؛ (غافر ۵۱) خداوند نصرت میکند شما را - این هم یک بخش دیگر- و همچنین مثل انبیا بلاشک دشمنان و مخالفین و معارضینی هم خواهید داشت، پس همان وضعیتی است؛ خود را برای آن آماده کنید. همه‌ی شما هم جوان هستید، بعد از این ان‌شاء‌الله شاید شصت سال، هفتاد سال شما وقت دارید که زندگی کنید و کار کنید و تلاش کنید. خودتان را آماده کنید برای پنجاه سال، شصت سال، هفتاد سال تلاش کردن و کار کردن و زحمت کشیدن، و بدانید که در پایان این راه، دنیا دگرگون خواهد شد بر اثر تلاش شما و بدون تردید به سمت مطلوب پیش خواهد رفت؛ حتماً این جور خواهد شد.» (بیانات: ۱۳۹۶/۶/۶)

۲) سنت آزمایش

آزمایش‌های الهی، یک سنت همگانی است که به فرد و یا گروه خاصی اختصاص ندارد، بلکه تمام افراد، به تناسب امکانات و استعدادهای خود، در بوته امتحان قرار می‌گیرند. مهمترین مسأله در آزمایش‌های الهی، آگاهی از انگیزه‌های امتحان است و یکی از این انگیزه‌ها این است که لیاقت‌ها و شایستگی‌های نهفته در افراد، در سایه امتحان، ظهور و بروز نموده و از این طریق، افراد به کمال مطلوب خود برسند. و اگر امتحان و آزمایش در کار نبود، کمالات نهفته در درون افراد به صورت گنج پنهان باقی می‌ماند و خود را نشان نمی‌داد.

خداوند متعال که می‌خواهد انسان‌ها، به مرحله‌ای از رشد، تکامل و خودسازی برسند، که هیچ عاملی نتواند آنها را از روند تکاملی و از اهداف عالی انسانی‌شان باز دارد، مسأله آزمایش را سرراشان قرار داده، زیرا مؤثرترین عاملی که جوهر و هویت حقیقی انسان را هویدا می‌کند و انسان را پرورش می‌دهد و در برابر پیشامدهای ناگوار، مقاوم و در مقابل مشکلات، پایدار و قدرت تحمل شدائد را در انسان بوجود می‌آورد، یا بی‌لیاقتی افراد کم ظرفیت را آشکار می‌کند؛ پشت سر گذاشتن آزمایش‌های سخت‌آفریدگار است. لذا این امر که جهان‌آفرینش میدان آزمایش همه انسان‌هاست و هیچ کس از این قانون عمومی الهی استثناء نشده است و برخلاف امتحانات بشری به منظور یادگیری و کشف مجهولات نیست بلکه برای آشکارشدن صلاحیت باطنی انسان و دریافت پاداش انجام می‌شود. آیات قرآنی درباره آزمایش در چهار گروه قرار می‌گیرد، و این سنت الهی، در چهره‌های مختلف به سراغ انسانها می‌آید و فلسفه آزمایش‌های الهی شامل تربیت و تکامل انسان، تمییز، تمحیص، ظهور افعال و تنبیه و تأدیب می‌باشد. وسایل و ابزار آزمایش نیز مختلف است از جمله: مال، فرزند، انبیاء و... . همچنین آزمایش‌های الهی نقشی در تذکر و بیداری انسان، زدودن گناهان، بازگشت انسان، بهای جنت و... بر عهده دارد. ابتلاء برای کشف امری بر خداوند نیست، زیرا چیزی بر خداوند پوشیده نیست تا به واسطه امتحان کشف شود بلکه حکمت امتحان دو چیز است: بر شخص ممتحن معلوم می‌شود که

دارای چه صفاتی است و بر دیگران نیز مرتبه این شخص معلوم می‌گردد. همچنین آزمایش‌های خداوند منافاتی با اختیار انسان ندارد و چندین دسته از آیات قرآن به روشنی گویای اختیار انسان است. انسان‌ها در مقابل امتحانات خداوند عکس‌العمل یکسانی ندارند و هر کس به میزان ایمان و بر اساس اعتقاداتش موضع خاصی می‌گیرد. از مهمترین عوامل پیروزی در برابر آزمایش‌های الهی می‌توان به صبر، یاد خدا، توجه به گذرا بودن حوادث، نیروی ایمان و... اشاره کرد. بر همین اساس انقلاب اسلامی در طول حیات خود با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده و حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته است. برخی از این ریزش‌ها با توجه به ماهیت و مواضع بعضی از افراد و جریان‌های سیاسی، چندان دور از ذهن نبوده و کم و بیش قابل پیش‌بینی بود، اما در این میان بخشی از زاویه‌گیری‌ها و ریزش‌ها، به نوعی غافل‌گیرکننده و پیش‌بینی نشده، می‌نمایند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «در اجتماعاتی که شما برادران عزیز و جوانان مؤمن و انقلابی این دوران دارید، آنچه که بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد... کامل کردن آگاهی از شرایط، کامل کردن معرفت به زمان، فهم صحیح زمان و تحلیل صحیح حوادث. اگر این تحلیل صحیح نباشد، مشکلات به وجود خواهد آمد و حتی ایمان‌های محکم، هم به سبب نبودن آگاهی و روشن بینی و تحلیل درست از وقایع، ممکن است در جهت خلاف قرار گیرد. همان‌طور که در قضیه خوارچ اتفاق افتاد، خوارچ اکثرشان دارای ایمان‌های محکمی بودند، که از آگاهی و نورانیت و معرفت، بی‌بهره بود، لذا در مقابل امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام قرار گرفتند» (بیانات؛ ۲۶ / ۶ / ۱۳۷۱).

لذا با رجوع به مولفه‌های سنت آزمایش می‌توان گفت: غفلت از دشمن، نداشتن مرز بندی مشخص با دشمنان و ضعف در دشمن‌شناسی از دیگر عوامل لغزش و زاویه پیدا کردن با نظام و جدا شدن از این مسیر است. رهبر معظم انقلاب در تبیین این مهم می‌فرماید: «هر آدم عاقلی تا دید دشمن برایش کف می‌زند، باید به فکر فرو برود و بگوید من چه غلطی کردم؛ من چه کار کردم که دشمن برای من کف می‌زند؟! باید به خود بیاید. این مایه غصه است که بعضی از کف زدن دشمن خوششان می‌آید! اگر گلزن مهاجم ما در میدان فوتبال، اشتباهاً به دروازه خودش گل بزند، چه کسی در آن میدان کف خواهد زد؟ طرفداران تیم مقابل و مخالف. حالا شما وقتی که می‌بینی دشمن برایت کف می‌زند، باید بفهمی که به دروازه خودی گل زده‌ای! ببین چرا زد؟ ببین چرا کردی؟ ببین چه اشتباهی کرده‌ای؟ ببین مشکل کجاست؟ بگرد مشکل خودت را پیدا کن و توبه کن... دل انسان غمگین می‌شود و می‌شکند به خاطر این که چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و آمریکا و سیا و هرکسی که در هر

گوشه دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصّه دار می کند. ولی به شما عرض کنم، بشارت های الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک می کند. بشارت های الهی خیلی زیاد است. نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، همه انقلاب ها، همه فکرها، همه جریان های گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند، هم رویش دارند؛ ریزش در کنار رویش» (بیانات، ۲۶/ ۹/ ۱۳۷۸).

۳) سنت امداد

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی تا کنون، در موارد بسیاری شاهد امداد الهی بوده است. که نموده های آن را حادثه طبس، جنگ تحمیلی و سایر مقاطع می توان مشاهده کرد. اگر به حوادث و جریان های انقلاب اسلامی نیک نظر افکنیم و با ژرف اندیشی مسایل آن را بازخوانی نماییم به وضوح مشاهده می کنیم که الطاف الهی توطئه هایی را نابود کرده که هر کدام از آنها به تنهایی قادر بوده اند یک نظام اجتماعی و سیاسی را از بین ببرند؛ مثلاً موضوع نزاع داخلی و شورش ناحیه ای که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی از گوشه و کنار سرزمین اسلامی ایران شعله ور می گردید، گاه از کردستان و در مواقعی از ترکمن صحرا، خوزستان، بلوچستان و آذربایجان سر بر می آورد که اگر پشتیبانی خداوند از امت به پا خاسته ایران به رهبری امام خمینی نبود، تضعیف و تحلیل نهضت اسلامی را به دنبال می آورد. جریان های گوناگون فکری، حزبی و قومی به بهانه های ملی گرایی، حمایت از مردم، جانبداری از محرومان و ادعای دموکراسی و آزادی که از سوی ابرقدرت های شرقی و غربی تغذیه فکری و ارائه می شدند، در پی آن بودند و هستند که مسیر اصیل اسلام ناب محمدی را که ستون های اصلی انقلاب اسلامی بر آن استوار گردیده مخدوش یا منحرف کرده و به سوی ابرقدرت ها بکشاند و شعار قرآنی انقلاب را که نه شرقی و نه غربی بوده از تاب و توان بیندازند که با حمایت الهی نقشه های مزبور نقش بر آب گردید.

در حادثه طبس؛ در شامگاه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ ه.ش هفت فروند هواپیمای غول پیکر نظامی C-۱۳۰ و هشت فروند بال گرد نظامی مجهز امریکایی مرزهای هوای جنوبی ایران را بدون کوچک ترین مقاومتی پشت سر گذاشته و وارد حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران می گردند. یکی از پاسگاه های مرزی عبور آنها را گزارش می دهد، اما به دلایلی نامعلوم به آن گزارش ترتیب اثر داده نمی شود. هواپیماها و بال گردها پس از طی مسافتی بیش از هزار کیلومتر در حریم هوایی ایران بدون برخورد با هیچ گونه مانعی جهت سوخت گیری و احتمالاً برای هماهنگی شروع عملیات در یک فرودگاه متروکه - که در جنگ جهانی دوم در نزدیک رباط خان

طلبس توسط قوای متفقین ساخته شده بود - فرود می آیند. توطئه گران مجهز به تمامی تجهیزات نظامی و حتی تانک، موتور سیکلت های پر قدرت سریع و سنگین (تریل) اتومبیل جیب و سلاح های مختلف بودند. زمان فرود اندکی قبل از نیمه شب چهارم اردیبهشت بود. که در اثر وقوع طوفان شن و امداد الهی با برخورد دو بالگرد به یکدیگر، ضمن آتش گرفتن، هشت نفر از نیروهای آمریکایی نیز در آتش می سوزند.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تنها جنگ دو کشور نبود، بلکه جنگ ابر قدرت های دنیا با ایران بود و اگر از این جنگ به عنوان حماسه بزرگ و دفاع مقدس یاد می شود، بدین جهت است که فرزندان ایران اسلامی با بضاعتی ناچیز به مصاف کسانی رفتند که از ماشین های جنگی بسیاری برخوردار بودند. لذا در این جنگ نمونه های بسیاری از امدادهای الهی به ثبت رسیده است.

حاج احمد قدیریان در بخشی از کتاب خاطرات خود که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است، خاطره جالبی را از دوران جنگ تحمیلی روایت می کند که به بحث امدادهای غیبی می پردازد. او می گوید: هنگامی که آبادان را محاصره کرده بودند، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) فرمان دادند حصر آبادان باید شکسته شود. بنابراین نیروهای بسیجی، سپاهی و ارتشی عزم خود را برای بازپس گیری آبادان جزم کردند. خاکریزها و سنگرهای عراقی در ۵۰ متری سنگرهای ایرانی ها قرار داشت. نیروهای حاضر در آبادان در درگیری های خویش با دشمن همه مهمات خود را مصرف کرده بودند و احتیاج فراوانی به مهمات داشتند، پس باید برای مقاومت نیروها به آن ها مهمات می رسید. اما چون جاده های اهواز به آبادان توسط هواپیماهای عراقی و موشک های زمین به زمین ناامن بود، رزمندگان مجبور بودند از قاطر برای انتقال مهمات استفاده کنند. هنگامی که این قاطرهای حامل مهمات به نزدیک سنگرهای خودی رسیدند، بچه ها خوشحال و خندان بودند که با این تجهیزات امشب و فردا دشمن بعثی را به عقب خواهند راند. اما هنگامی که مهمات قاطر اولی را پیاده می کردند، ناگهان قاطر دومی از روی خاکریز ایرانی ها گذشت و به طرف خاکریز نیروهای بعثی به حرکت درآمد. بچه های رزمنده نیز اجازه نداشتند به دنبال قاطر بروند، زیرا مورد هدف تیرهای دشمن قرار می گرفتند. فرمانده عملیات نیز که با بیسیم از این اتفاق آگاه شده بود، دستور داد هیچکس حق رفتن به دنبال قاطر را ندارد. آن روز با اضطراب و ناراحتی به شب رسانده شد و در نهایت لحظه عملیات فرا رسید. همه بیدار و مراقب و آماده حمله بودند، اما از کمبود تجهیزات و مهمات بسیار نگران؛ بالاخره نیمه های شب عملیات شروع شد. عملیات شکست حصر آبادان به قدری برق آسا انجام شد که جمع کثیری از نیروهای بعثی تسلیم و بعضی از ادوات آنها به غنیمت گرفته شد و تعدادی نیز اسیر گشتند که در بین اسرا یک افسر ارشد بعثی عراقی بود. وقتی از اوضاع و احوال

پشت جبهه دشمن از وی سؤال می‌شد، نکته مهمی که آن افسر گفت این بود: «شما وقتی آن قاطر پر از تجهیزات را برای ما فرستادید، تصور کردیم که شما چقدر تجهیزات دارید و این قاطر با بار مهمات نمونه‌ای کوچک از تجهیزات و مهمات شماست. پس ما با یک روحیه ضعیف و اراده‌های لرزان در مقابل نیروی شما ایستادیم.» آری خداوند اسباب و وسایل پیروزی را با آن حرکت برای رزمندگان تضمین کرد. به راستی خداوند به هرکس و گروهی که بخواهد لطف برساند، هیچکس نمی‌تواند مانع آن شود و این نمونه‌ای کوچک از امدادهای غیبی خداوند بود که همیشه ما را در صحنه‌های جنگ کمک می‌کرد (قدیریان، خاطرات احمد غدیریان، ص ۳۵).

۴) سنت امهال و استدراج

وقتی برای کسی شرایط شناختی و عاطفی پذیرش حق فراهم می‌آید، به‌طور طبیعی باید دعوت پیامبران را بپذیرد و راه درست را برگزیند؛ ولی شرایط مزبور، علت تامه گام نهادن در راه حق نیست، بلکه همچنان امکان انتخاب راه باطل برای انسان فراهم است؛ به‌ویژه اگر بر اثر پدید آمدن برخی زمینه‌های روانی، موانع بلندی بر سر راه تأثیر مقتضیات هدایت به وجود آمده باشد؛ مانند قساوت قلب که مانعی درونی است، و وسوسه‌های شیطان که نوعی مانع بیرونی است. در چنین شرایطی بر اساس سنتی دیگر، نعمت‌های مادی افزایش می‌یابد و شخص غرق آسایش و رفاه می‌شود تا روزبه‌روز بر غفلتش افزوده شود و بیش‌ازپیش، از پروردگار خویش فاصله بگیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (انعام: ۴۴)؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند.

و نیز، چنان که گذشت، در سوره اعراف، بعد از بیان سنت هدایت، آمده است:

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (اعراف: ۹۵)؛ «آن‌گاه به‌جای بدی [بلا] نیکی [نعمت] قرار دادیم، تا انبوه شدند و گفتند: پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است. پس درحالی که بی‌خبر بودند، به‌ناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم».

«عفو» در اینجا برگرفته از «عفی النبات» است؛ یعنی «گیاه رشد کرد و قد کشید». بنابراین «عَفَوْا» یعنی جمعیت آنان فراوان شد و از حالت سختی درآمده، به راحتی و آسایش رسیدند.

قرآن کریم این سنت الهی را با نام «املاء» و «استدراج» یاد می‌کند:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (اعراف: ۱۸۲-۱۸۳)؛ «و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به‌تدریج، از جایی که نمی‌دانند،

گریبانشان را خواهیم گرفت. به آنان مهلت می‌دهم، که تدبیر من استوار است». در گام دوم انقلاب اسلامی باید به سنن الهی اطمینان داشته باشیم و اینکه خداوند ناظر ب رفتار و کردار ماست و البته حامی مومنان واقعی.

آیت الله مصباح یزدی در این زمینه صحبتی دارند که خالی فایده و البته بی ارتباط با این مبحث نیست: « بسیاری از مردم خود را در تنگنایی احساس می‌کنند که راه خروج از آن ندارند. گاهی هم برای ما نامه می‌نویسند. گاهی هم حضوراً می‌آیند و گریه و درد و دل‌هایی دارند. می‌گویند منتظر چه هستید؟ به چه امیدی زنده بمانیم؟ انقلاب کردیم و این همه کشته دادیم و چنین و چنان؛ اما همه آثار انقلاب در حال نابودی است. یا کسانی که مقداری قدرت غربی‌ها را از نزدیک می‌بینند و می‌فهمند آن‌ها چه چیزهایی کشف کردند و چه ثروت و چه تکنولوژی‌هایی دارند، نسبت به دستاوردها و آینده انقلاب نگران می‌شوند.

یک نمونه را برایتان نقل می‌کنم. اوائل انقلاب بعضی از اساتید متدین بودند که از دانشگاه تهران به قم می‌آمدند و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با فضایی قم همکاری داشتند. یکی از این اساتید که بسیار مرد شریف و متدینی است به مناسبتی مدتی به لندن رفت. اتفاقاً در آن زمان مرا برای سخنرانی در لندن دعوت کردند و چند روزی آن‌جا بودیم. از آن‌جا که با آن آقا خیلی دوست بودیم و مرد شایسته‌ای بود، احوال آن آقا را پرسیدم و بالاخره آدرس منزلش را پیدا کردیم و به منزلش که در دانشگاه معروف آکسفورد بود رفتیم.

در آن‌جا با هم صحبت‌هایی کردیم. در آخرین گفت‌وگوهایمان آن آقا می‌گفت: من یک معادله ریاضی برای شما می‌گویم؛ ما در این نقطه از علم، تمدن و اقتصاد که قرار داریم، آن قدر با کشورهای پیشرفته فاصله داریم که اگر با هر سرعتی پیش برویم ساعت به ساعت از آن‌ها دورتر می‌شویم. این فرمول ریاضی است؛ ما با این سرعت پیش می‌رویم، آن‌ها با آن سرعت پیش می‌روند، و ما هرگز به آن‌ها نخواهیم رسید بلکه دائماً از آن‌ها دورتر خواهیم شد. از آن طرف هم می‌دانیم که آنان نسبت به ما نظر خوبی ندارند و نمی‌خواهد که ما پیشرفتی بکنیم، مگر این‌که پیشرفت ما به یک معنا در جهت پیشرفت آن‌ها قرار گیرد.

به عنوان مثال آن‌ها می‌خواهند ابزارهای جدیدی را که می‌سازند بفروشند و چند برابر سودش را ببرند. مشتری نیز برای خرید باید بتواند از آن ابزار استفاده کند و اگر نتواند آن را نمی‌خرد. پس برای این‌که این‌ها بتوانند کالای خودشان را به ما بفروشند مجبورند بعضی از چیزها را به ما یاد بدهند تا بتوانیم کالای آن‌ها را بخریم. در این صورت پیشرفت ما را در جهت پیشرفت خودشان می‌بینند و حاضر می‌شوند بعضی از چیزهایی را که به آن رسیده‌اند در اختیار ما هم بگذارند.

نتیجه این‌که ما چاره‌ای نداریم جز این‌که با آمریکا بسازیم. من در آخر به ایشان گفتم: فقط یک سؤال از شما می‌کنم و آن این است که ما به چه قیمتی به آن نتایجی که شما می‌گویید از

این سازش به دست می‌آوریم، می‌رسیم؟ یعنی باید دست از انقلاب، اهداف انقلابی، دین، معنویت و اسلام‌مان برداریم تا به آن‌ها برسیم. اگر این طور باشد می‌ارزد؟! ایشان دیگر جوابی نداد؛ البته جوابی هم نداشت که بدهد. ما باید حساب کنیم، ببینیم دنبال چه می‌گردیم و این بهره‌مندی‌های دنیا را با چه قیمتی حاضریم به دست بیاوریم؛ البته معتقدیم که در درازمدت حتی پیشرفت مادی ما از آن‌ها جلوتر خواهد بود و آن‌ها تابع ما خواهند شد؛ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. اگر این مطلب را درست باور کنیم، آن درک‌مان قدری اصلاح می‌شود؛ درست است که ما خیلی از آن‌ها فاصله داریم و با همین اسباب ظاهری با هر سرعتی برویم به آن‌ها نخواهیم رسید، اما خدا به ما نشان داده است که گاهی یک جرقه در مغز یک دانشجوی جوان می‌زند و همراه با دوستش یک تئوری را در آزمایشگاه دنبال می‌کند و به نتیجه می‌رسد؛ و چیزی را می‌سازند که دشمنان سال‌ها از ما دریغ می‌کردند و راهش را به نشان نمی‌دادند، حتی اجازه نمی‌دادند آن را تعمیر کنیم. بر اساس این آیه اگر روزی بیاید که آن‌ها محتاج ما شوند تعجب نکنید.

نتیجه‌ای که ما می‌خواهیم از این داستان برای زندگی امروزمان بگیریم این است که بسیاری از مردم وقتی با مظاهر پیشرفت در کشورهای پیشرفته روبه‌رو می‌شود خود را می‌بازند. من در اوائل انقلاب بسیاری از کسانی را دیدم که یکی دو سفر به چند کشور خارجی رفتند و وقتی برگشتند کاملاً روحیه انقلابی‌شان را از دست دادند. اما باید باور کنیم که وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ سنت خدا این است همین مستضعفان را پیشوا می‌کند و مستکبران تابع این‌ها می‌شوند. خداوند چنین سنتی دارد؛ باید بگردیم شرایطش را پیدا کنیم. باید آیات قرآن و روایات را بررسی کنیم و ببینیم در چه شرایطی خداوند فراتر از اسباب عادی که در اختیارشان هست چنین کمک‌هایی به انسان‌ها می‌کند.» (مصباح یزدی، درس اخلاق، ۱۳۹۵).

۵) سنت استیصال

عدالت خداوند متعال اقتضا دارد در عذاب‌های استیصالی، مؤمنان واقعی را که به وظیفه فردی و اجتماعی خود به خوبی عمل کرده‌اند، نجات دهد. قرآن، در آیات فراوانی که درباره عذاب‌های اقوام گذشته است، با تصریح به این واقعیت، از نجات پیامبران و اهل ایمان واقعی خبر داده است. در مورد حضرت موسی(ع) و پیروان و ایمان‌آوردگان به وی می‌فرماید: و موسی علیه السلام و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم. سپس دیگران را غرق کردیم. در این جریان نشانه روشنی است، ولی بیشترشان ایمان نیاوردند (زیرا طالب حق نبودند). (شعرا: ۶۵ - ۶۷)

همچنین درباره حضرت صالح علیه السلام (پیامبر قوم ثمود) و مؤمنان به حضرت آمده است: و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی که به او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز رهایی بخشیدیم؛ زیرا پروردگار تو قوی و شکست ناپذیر است. (هود: ۶۶)

در آیه ای دیگر نیز در مورد همین قوم ثمود آمده است: و اما قوم ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند. به همین جهت، صاعقه آن عذاب خوار کننده، به خاطر اعمالی که انجام می دادند، آنها را فرو گرفت و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند، نجات بخشیدیم. (فصلت: ۱۷ و ۱۸)

حضرت نوح علیه السلام و پیروانش نیز از عذاب الهی نجات یافتند. قرآن می فرماید: ما او (حضرت نوح علیه السلام) را و کسانی را که با او در آن کشتی بودند - آن کشتی که پر از انسان و انواع حیوانات بود - آنها را رهایی بخشیده، نجات دادیم، سپس بقیه را غرق کردیم. (شعرا: ۱۱۹ و ۱۲۰)

حضرت لوط علیه السلام و آل لوط نیز که از ایمان آوردگان به او بودند، همه نجات یافتند، جز همسر حضرت لوط که در ردیف دیگر گناه کاران قرار داشت. پس ما او را (حضرت لوط علیه السلام) و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود. سپس چنان بارانی از (سنگ) بر آنها فرستادیم که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت. پس بنگر که سرانجام کار مجرمان چه شد. (اعراف: ۸۳ و ۸۴)

همچنین درباره حضرت شعیب علیه السلام و مؤمنان واقعی نیز آمده است: و هنگامی که فرمان ما رسید، شعیب و کسانی را که به او ایمان آورده بودند به رحمت خود نجات دادیم و آنها را که ستم کردند، صیحه آسمانی فرا گرفت و در دیار خود به رو افتادند و مردند. (هود: ۹۴)

۶) سنت زیادت نعمت‌های معنوی و اخروی

یکی از سنت‌های الهی این است که اگر بندگان در برابر نعمت‌های مادی و معنوی خداوند شکرگزاری کنند، نعمتشان فزونی می‌یابد، و اگر از در ناسپاسی درآیند، در روزی به رویشان بسته می‌شود. شکر بر نعمت‌های مادی، این نعمت‌ها را فزونی می‌بخشد و قدردانی از نعمت‌های معنوی، افزایش این گونه از نعمت‌ها را به دنبال می‌آورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم: ۷)؛ «اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

قرآن درباره ناسپاسی در برابر نعمت‌های مادی می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ أَمْنَةً

مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲)؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید؛ پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

از این آیه معلوم می‌شود که گاه، بر اثر قدرناشناسی در برابر نعمت‌های مادی، آدمی گرفتار بلاهایی همچون فقر و ترس می‌شود. در آیه دیگری درباره تأثیر سپاسگزاری در افزایش نعمت‌ها می‌خوانیم:

وَلَوْ أَنَّهُمْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ (اعراف: ۹۶)؛ «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم».

از آنجاکه لازمهٔ پرهیزگاری، شکرگزاری نعمت‌های الهی است، از این آیه استفاده می‌شود که شکر نعمت‌های معنوی، در افزونی نعمت‌های مادی و رشد و توسعهٔ امکانات زندگی نیز مؤثر است و بنابر حکمت الهی، بهره‌مندی‌های مادی در جامعهٔ سپاسگزار نیز فزونی می‌یابد تا مردم بتوانند با ابزارهای مادی، به تکامل معنوی بیشتری دست یابند. از آن سو ناسپاسی در برابر نعمت‌های مادی و معنوی موجب گرفتار شدن به عذاب الهی می‌شود.

این نکته نیز از آیات برمی‌آید که فزونی نعمت در پی شکرگزاری، شامل نعمت‌های معنوی هم می‌شود: وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى (مریم: ۷۶)؛ «و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند، بر هدایتشان می‌افزاید». قرآن حتی مصادیق خاصی را از این گونه فزونی نعمت بیان می‌کند؛ چنان که دربارهٔ اصحاب کهف می‌فرماید: إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (کهف: ۱۳)؛ «آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم».

فزونی یافتن هدایت مؤمنان، از یکسو مصداقی برای سنت امداد، و ازسوی دیگر مصداقی برای سنت شکرگزاری است؛ چراکه ایمان آوردن و پذیرفتن هدایت، خود نوعی سپاس نعمت معنوی است. در مقابل مؤمنان، آنان که از سر ناسپاسی، از پذیرش هدایت روی برمی‌گردانند، بر گمراهی‌شان افزوده خواهد شد: فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (بقره: ۱۰)؛ «در دل‌هاشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود»، و این همان خذلانی است که ناسپاسی در برابر نعمت‌های معنوی به دنبال می‌آورد.

۷) کنترل مرزبندی‌های خود با دشمنان

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. محصول این خودکنترلی و تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفته‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول مرزبندی انقلاب با دشمنان و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی و تحقق شعار ما می‌توانیم است.

و اگر مقطعی غفلت کردیم و بر فرایندها و خط‌مشی‌های انقلاب کنترل نداشتیم، باعث شدیم تا عیوبی همچون: وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی ایجاد گردد و بعضاً نتیجه‌ی این غفلت در کنترل آرمان‌های انقلاب، مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به جوانان و مدیران جوانی است که خط و راهبردهای دشمن را می‌شناسد و آن‌ها را دور می‌زند، دو نوبت کاری در خدمت انقلاب است و انقلابی کار می‌کند، از خواب، خوراک و رفاه خود می‌زند تا به رفاه ملت و عموم جامعه که در اهداف انقلاب لحاظ شده برسد.

۸) سنت غلبه و پیروزی بر دشمنان

انقلاب اسلامی از ابتدا دارای شعارهای متعالی بود. جهان بینی توحیدی، پیوند دین و دنیا، استکبارستیزی، عدالت، آزادی، استقلال، معنویت، دفاع از مظلوم، انسان سازی و... از شعارهای اصلی انقلاب بود. قبل از انقلاب اسلامی، زنده ماندن مهم بود، اما چرا زنده ماندن و چگونه زنده ماندن خیلی اهمیت نداشت. این انقلاب اسلامی بود که با طرح جهان بینی توحیدی، چگونه ماندن و چرا ماندن را آموخت. بنابراین، اصول انقلاب اسلامی در ۴۰ سال دوم نباید از بین رود و

حتی نسبت به آن کوتاهی کرد. از اینرو، اولین مرحله دشمن شناسی و مقابله با آن در گام دوم انقلاب از منظر رهبری معظم انقلاب، پایبند بودن به اصول انقلاب و عدم کوتاهی از آن در مقابل دشمنان است. این چنین است که ایشان می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند» (گام دوم، ۱۳۹۸: ۱۴).

۹) سنت زیادت ضلالت

همانگونه که اهل حق در جهت نعمت‌های معنوی و اخروی و اهتداء و راه‌یافتگی امداد می‌شوند، اهل باطل نیز در جهت ضلالت و گمراهی مدد می‌یابند.

لذا مشاهده می‌شود که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون برخی از افراد و گروه‌ها در گمراهی خویش غوطه‌ور شده و از کاروان انقلاب منعزل گشتند. لذا همانطور که امت اسلامی، بعد از رحلت پیامبر دچار مشکلات اعتقادی شده و گره‌های متعدد و مختلف در میان‌شان پدید آمد و گمراهی‌هایی پیدا شد، همه به خاطر آن بود که مردم از قرآن فاصله گرفتند و به آیات ولایت عمل ننمودند و اهل بیت پیامبر (ص) را خانه‌نشین کردند و پیامد دردناک این خانه‌نشینی آن شد که به تدریج گمراهی و عقاید گمراه‌کننده، در میان مردم ریشه پیدا کرد و زمینه عقاید نادرست را فراهم ساخت.

لذا در انقلاب اسلامی نیز در صورتی که از رهبر انقلاب و فرامین او تمکین نشود ضلالت و گمراهی در جامعه زیاد می‌شود.

عامل دیگر که سبب گمراهی انسان می‌شود؛ بی‌تقوایی و دوستان و رفیق‌های گمراه و ناباب است؛ بخصوص در عصر حاضر، یکی از عوامل عمده گمراهی افراد، بخصوص نسل جوان، دوست‌های بد و گمراه هستند که نقش بسیار اساسی در گمراهی جوان‌ها دارند. همچنین عامل دیگر در گمراهی افراد، تهاجم فرهنگی و تبلیغات دشمنان اسلام است که با انواع کارهای فرهنگی و رسانه‌ای و هنری، سعی در گمراه کردن جوامع اسلامی دارند و از آن جا که بسیاری فیلم‌های بد آموز و گمراه‌کننده، در قالب هنرهای کاذب طرح و ارائه می‌شود، افراد کمتر و یا دیرتر متوجه جوانب منفی قضیه می‌شوند و در نتیجه گمراهی ناخواسته برای او پدید می‌آید.

برخی از افراد نیز بدلیل اینکه عزم جدی بر ترک گناهان نداشتند دچار گمراهی سیاسی، اعتقادی و حتی اقدام به تهمت و افترا نسبت به افراد پاک و انبیاء و اولیای الهی و یا تحریف تاریخ می‌کنند.

لذا در انقلاب اسلامی اعتقاد بر این است که ظهور بسیار نزدیک می باشد و اگر بخواهیم که انقلاب اسلامی ایران را که حضرت امام خمینی (ره) پایه گذاری نمود به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) متصل شود لازمه آن پیروی از ولایت فقیه و رهبری است.

۱۰) سنت تزئین اعمال

وقتی انسان کار زشت و نادرستی انجام دهد تدریجاً قبیح و زشتیش در نظر او کم می شود و به آن عادت می کند. پس از مدتی که به آن خو گرفت، توجیهاتی برای آن می تراشد. کم کم به صورت زیبا و حتی به عنوان یک وظیفه در نظرش جلوه می کند. وجدان انسان در حالی که دست نخورده باشد به خوبی، نیک و بد را تشخیص می دهد، اما هنگامی که دانسته قدم در جاده گناه و خلافکاری می گذارد، فروغ وجدان کم رنگ و کم رنگتر می شود و کار به جایی می رسد که زشتی و قبیح گناه تدریجاً از میان می رود. هرگاه باز هم به این کار ادامه دهد، کم کم اعمال زشت در نظرش زیبا و زیباتر جلوه می کند و این همان چیزی است که در آیات قرآن به آن به عنوان تزئین اعمال اشاره شده است.

لذا در گام دوم انقلاب اسلامی می بایست به نحوی شرایط مهیا و فراهم باشد که افراد جامعه بویژه مدیران به سمت لغزش و اشتباه کارهای قبیح نلغزند.

به باینی دیگر باید گفت درست است که اعمال انسان از اخلاق او سرچشمه می گیرد و خلق و خوهای درونی در لا به لای اخلاق نمایان می شود، بطوری که می توان گفت، اعمال و رفتارهای انسان ثمره خلق و خوی درونی اوست؛ ولی از سوی دیگر، اعمال انسان نیز به نوبه خود به اخلاق او شکل می دهد؛ یعنی، تکرار یک عمل خوب یا بد، تدریجاً تبدیل به یک حالت درونی می شود و ادامه آن سبب پیدایش یک ملکه اخلاقی می گردد، خواه فضیلت باشد یا رذیلت؛ به همین دلیل، یکی از راههای مؤثر برای تهذیب نفوس، تهذیب اعمال است، مبادا تکرار یک عمل بد در درون روح و جان انسان ریشه بدواند و روح را به رنگ خود در آورد و سبب پیدایش رذائل اخلاقی گردد؛ به همین دلیل، در روایات اسلامی دستور داده شده است که مردم بعد از لغزش ها و گناهان فوراً توبه کنند؛ یعنی، با آب توبه آثار آن را از دل و جان بشویند مبادا گناه تکرار شود و تبدیل به یک اخلاق رذیله گردد؛ بعکس، دستور داده شده است که کارهای نیک، آنقدر تکرار گردد که تبدیل به یک عادت شود.

بنابراین انقلاب، نظام و جامعه اسلامی اگر به آسیب زدایی و آفت زدایی توجه کافی نکند، آسیب ها و موانع، حرکت تکاملی و رو به توسعه آن را سد می کنند و تحقق اهداف آن را به تأخیر انداخته، یا ناممکن می سازند. شاید به تعداد اهدافی که هر انقلاب و جامعه و حکومت دنبال می کند بتوان آسیب ها و موانعی را پیش بینی کرد.

۱۱) سنت اختلاف و نزاع

خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم از نزاع بین حق و باطل سخن به میان آورده است. از سوی دیگر اراده‌ی الهی بر این قرار گرفته است که در میان افراد انسانی تفاوت‌هایی اعم از تفاوت‌های طبیعی و خارجی از دایره‌ی اراده‌ی انسان‌ها و تفاوت‌های ارادی و حاصل افعال خود انسان‌ها، وجود داشته باشد تا آدمیان به توسط یکدیگر آموخته شوند. فراموش نکنیم که حتی کارهای ارادی و اختیاری انسان‌ها نیز کاملاً مشمول قضا و قدر و تقدیر و تدبیر الهی است؛ و به عبارت دیگر، تعلق اراده‌ی تکوینی الهی به یک فعل، هیچ‌گونه منافاتی با مختارانه و آزادانه بودن آن فعل ندارد. بنابراین، حتی تفاوت‌هایی که ناشی از افعال اختیاری آدمیان است متعلق اراده‌ی تکوینی الهی است و بدین سبب پدید آمده است که وسیله‌ی آزمایش باشد، هر چند وسیله‌ی آزمایش بودن آنها منافاتی با مختار بودن پدیده‌ی آورندگان آنها و مسؤول بودن آنان ندارد. (مصباح، همان، ۴۳۴)

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است، کسی تردید ندارد؛ همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی سخت و یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه‌ی سیاسی، [بلکه] در زمینه‌ی فرهنگی، در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی امنیتی، ما در حال مبارزه‌ی ایم. [البته] جنگ نظامی و مبارزه‌ی نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و [الآن] نیست اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است، جنگ‌های اقتصادی است، جنگ‌های فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم؛ این را هیچ‌کس نمیتواند انکار کند. بله، کسانی هستند که به اینکه ما در این وضعیت هستیم - در حال جنگ هستیم - اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟ کسانی هستند که معترض به این معنا هستند. تصور آنها این است که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛ لذا میگویند خب چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ به نظر ما این غفلت است؛ جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمانها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه میشود در حکومت دین، خلاصه میشود در جامعه‌ی دینی - دشمن درست‌کن است، دشمن تراش است، جنگ‌راه‌بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هرجایی که نغمه‌ی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست؛ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوْحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۗ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ * وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرَوْهُ وَليَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ: (انعام: ۱۱۲) ابعاض جبهه‌ی باطل با یکدیگر همکاری میکنند، یعنی هم همکاری میکنند و هم طرف‌دار

پیدا میکنند؛ کسانی اصغاء میکنند حرفهای اینها را و گوش میکنند و دنبال اینها حرکت میکنند؛ این [طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت الله و ولایت اولیاء الله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ کونا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ (۲) ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می آورد، دشمنی به وجود می آورد، دعوا راه می اندازد؛ این هست. «بیانات: ۲۴/۱۲/۱۳۹۶».

یکی از نشانه ها و ملاک های وجود دموکراسی در یک جامعه، وجود آزادی های قانونی؛ از جمله آزادی بیان و نظر و دیدگاه است که اگر فرد، گروه و جمعیتی یا حزبی با بعضی از اعمال هیأت حاکمه و جناح حاکم مخالف باشد، بدون نگرانی و ترس این نظر مخالف را بیان کند و به انتقاد بپردازد. جالب این جا است که رسانه های غربی که تبلیغات فراوانی مبنی بر وجود این نوع آزادی در کشور های خود به راه می اندازند و به تبلیغ چند صدایی و سیاست چند حزبی می پردازند و برخورد عقاید و دیدگاه های گوناگون را لازمه نشاط و پویایی جامعه معرفی می کنند، وقتی نوبت به کشور هایی نظیر ایران می رسد، آن ها را یا متهم به غیر دموکراتیک بودن می کنند و یا در صورت تضارب آرا و بیان نظرات مخالف، آن را دلیل نارضایتی مردم از حکومت و نشانه ضعف و بی ثباتی و تزلزل آن معرفی می کنند. بدیهی است که در هیچ نظام سیاسی، همه احزاب و جناح و گروه ها و افراد در همه حوزه ها وحدت نظر ندارند و یا با آن چه گروه حاکم انجام می دهد، موافقت کامل ندارند. این اختلاف نظر و رساندن پیام آن به هیأت حاکمه، برای اصلاح امور لازم است متأسفانه در چارچوب طرح "بالکانیزه کردن" جامعه، حکومت و سرزمین ما، هرگاه مقام، گروه و یا شخصی به انتقاد می پردازد با جنجال رسانه ای گسترده، آن انتقاد به عنوان وجود جنگ و جدال و اختلاف درون حکومت، مورد سوء استفاده قرار می گیرد تا بی ثباتی و تزلزل و عدم استحکام پایه های امنیت و اقتدار ملی را به نمایش بگذارند. به عبارت دیگر، همان دیدگاه های مخالفی که در مغرب زمین نشانه وجود دموکراسی و نشاط جوامع معرفی می شود، در سایر کشور ها به نقطه ضعف تبدیل می گردد.

نتیجه گیری

در جامعه اسلامی که فرهنگ آن ریشه در فرهنگ و سنت اصیل اسلامی دارد، مدل‌های عرفی مدیریتی ماخوذ از غرب نمی‌تواند راهگشای چالش‌ها و مشکلات باشد. لذا برای عبور از مدل‌های ناکارآمد کنونی نیاز به الگویی است که با فرم‌ها و شرایط داخلی همسان و هماهنگ‌تر باشد و در جهت رفع موانع و مشکلات کارآمد و اثربخش‌تر باشد. که از مهمترین آنها می‌بایست به مدیریت جهادی اشاره کرد. تفاوت اصلی مدیریت جهادی با سایر نظام‌های مدیریتی در پیش فرض‌ها و مبانی فکری و عقیدتی آن است. در این نظام مدیریتی، احکام دین مبین اسلام به عنوان راهبردی برای زندگی و شاخصی برای سنجش حیات مطلوب در نظر گرفته شده و هدف این نظام مدیریتی، پیاده‌سازی ارزش‌ها در جامعه به منظور تبدیل آن‌ها به کیفیت زندگی می‌باشد.

تحولات اجتماعی بر مبانی و اصول و قواعد شکل می‌گیرد که آگاهی از آن می‌تواند در تبیین و توصیه سازنده نقش اساسی ایفا کند. انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی در هزاره دوم پس از بعثت پیامبر مکرم و معظم (ص) برای بقا و مانایی خویش‌نیامند عناصر پویایی است تا از مرگ درونی یا حذف بیرونی در امان ماند؛ زیرا هر چیزی که عناصر پویایی مطلوب و سازنده را نداشته باشد، از مانایی و بقا بهره نخواهد برد و مرگ یا حذف نتیجه طبیعی چنین چیزهایی است. امام خامنه‌ای مدظله العالی در چارچوب منابع اصلی انقلاب و آموزه‌های ثقلین، به عنوان «امام» و دارنده «ولایت الهی» بر خویش لازم می‌بیند تا با تبیین عناصر و لوازم پویایی انقلاب اسلامی، این گفتمان جهانی را در ساختار «حرکت و قیامی پویا» برای تغییرات مثبت جهانی و بسترساز برای ظهور مصلح کل حضرت اب‌الصالح‌المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ کند و «امت» را به اقامه عناصر سازنده پویایی توجه و تحریص و ترغیب نماید.

صدور بیانیه گام دوم توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در بهمن ۱۳۹۷ و چهلمین سال پیروزی انقلاب، به سبب آنکه دربردارنده تحلیلی منصفانه و همه‌سونگر از فراز و فرودها و چالش‌های انقلاب و نظام اسلامی مردم ایران در چهار دهه نخست است، فرصت مناسب پیشروی ارباب اندیشه و فکر جهت بازاندیشی و تأمل در تجارب و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌گشاید، و به سبب آنکه این بیانیه دربردارنده توصیه‌های راهبردی در جهت بالندگی و پیشرفت نظام و جامعه اسلامی ماست، همه نیروهای متعهد و نهادهای تأثیرگذار حاکمیتی و غیر حاکمیتی به‌ویژه دو کانون اصلی علمی و معرفتی کشور، یعنی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را به این امر فرا می‌خواند که در چگونگی تحقق این توصیه‌ها

اندیشه کنند، موانع و کاستی‌ها را بشناسند و فرهیختگی و حرکت جهادی خود را آشکار سازند و نسبت و نقش خود را با محورها و توصیه‌های ناظر به آینده انقلاب اسلامی، تعریف نمایند.

بیانیه ی گام دوم، با ساخت و نظام ارزش های جامعه ارتباط تنگاتنگ و دوسویه ای دارد؛ از سویی بر ساخت اجتماعی و مسائل واقعی جامعه و در امروز و فردا تأثیرگذار است و از سوی دیگر برآمده و تأثیرپذیر از بافت اجتماعی و تاریخ گذشته و دیروز انقلاب است. از راهبردی ترین مسائل جامعه ی دینی - از صدر اسلام تا امروز - مسأله ی وحدت مسلمین بوده است. بیانیه ی گام دوم، در سطوح مختلف جامعه می تواند - و باید - مایه و منبع هم گرایی فکری شود. بر اساس اشتراکات و هم گرایی های فکری است که جامعه در لایه ی هنجارها و کنش ها نیز به هم گرایی و وحدت عمل نزدیک می گردد و بر اساس روندی که از لایه ی فکر تا کنش اجتماعی محقق می شود، ساختارهای جامعه نیز از این فرآیند تأثیر خواهد پذیرفت و به تدریج، استحکام ساخت درونی نظام و جامعه ی اسلامی، افزون تر خواهد شد.

این هم گرایی، در تداوم ولایت پذیری جامعه از ولی فقیه نیز سهمی به سزا خواهد داشت؛ توصیه ها و دستورهای رهبری، قطعاً در جامعه ای که هم گرایی فکری و وحدت اجتماعیدر آن رو به تزاید است، بهتر و درست تر فهم و اجرا خواهند شد.

لذا در بیان مهمترین نتایج این تحقیق و تبیین سنت های الهی در انقلاب اسلامی می توان گفت؛ این انقلاب بر اساس بهره گیری از این سنت های الهی توانسته است به دفع مشکلات و رفع آن ها اقدام کنند و جریانی را رقم زند که جهان را سنت های الهی حاکم بر هستی آشنا و بهره مند می سازد.

سنت عذاب مستکبران و مکاران بدکردار: از سنت های الهی که در انقلاب اسلامی، تحقق یافته است، سنت عذاب مستکبران و مکاران بدکردار است. انقلاب اسلامی در چهار دهه از حضور پر قدرت خویش توانسته است با بهره گیری از این سنت، دشمنان استکباری را به زانو در آورده و کشورهای غربی و مستکبر را نه تنها از ایران اسلامی بلکه از منطقه به یک معنا فراری دهد و با بیداری مسلمانان و امت اسلام گام های بلندی برای قطع کامل حضور استکباری آنان بردارد.

پیروزی در سایه صبر و استقامت: از دیگر سنت های الهی حاکم بر اجتماع این است که پیروزی در سایه صبر و مقاومت و استقامت به دست می آید. و جمهوری اسلامی ایران در تقابل با دسیسه های داخلی خارجی از بدو انقلاب تا کنون و حتی در تقابل با قدرت های جهانی همیشه پیروز میدان بوده است.

پیروزی حق بر باطل: یکی از سنت های اجتماعی خدا، پیروزی نهایی حق بر باطل است. (انفال، آیه ۸؛ یونس، آیه ۸۲؛ رعد، آیه ۷؛ اسراء، آیه ۸۱؛ انبیاء، آیه ۱۸؛ شوری، آیه ۲۴) انقلاب

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آقاجانی نصر ا... (۱۳۹۳) دو ویژگی یا انواع سنت های الهی در تدبیر جوامع، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳ (پیاپی ۷) - شماره پیاپی ۷، دیماه.
۲. اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۸) بیانیه گام دوم، سند فقه سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۳. امام خمینی، (۱۳۷۲) صحیف نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۶/۶/۹۲
۵. بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۲۶/ ۹/ ۱۳۷۸
۶. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه و مسئولین دفاتر نمایندگی ولی فقیه؛ ۲۶/ ۶/ ۱۳۷۱
۷. حامد مقدّم، احمد. (۱۳۷۹). سنّت های اجتماعی در قرآن کریم. چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۸. خامنه-ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۱۰. عبدالهی، محمد (۱۳۹۷). طرح مسائل اجتماعی در ایران اهداف و ضرورت ها. در کتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران تالیف گروهی از مولفان. انتشارات پیام نور.
۱۱. فیضی، حسن (۱۳۹۱)، دو سنت های الهی و سقوط و صعود تمدن ها، فصلنامه پژوهش نامه تاریخ، سال دوم، شماره هشتم.
۱۲. قانع، احمدعلی. (۱۳۷۹). علل انحطاط تمدن ها. چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. غدیریان، احمد (۱۳۹۸)، خاطرات احمد غدیریان، گردآوری؛ محمدرضا سرابندی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۴. مدیرشانه چی، کاظم. (۱۳۸۸). علم الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، ناشر انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۵) درس اخلاق، قم، ناشر انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۶. وبر، ماکس. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی جامعه شناسی. ترجمه احمد صدارتی. تهران: مرکز.

